



گزارشی از مراسم بزرگداشت چهل و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل در صفحه ۴

تأثیر حماسه سیاهکل در مبارزات زنان متن سخنرانی رفیق نوشین در بزرگداشت حماسه سیاهکل

قیام سیاهکل بعنوان مبدا یک مبارزه نوین تأثیرات شگرفی در تمام ابعاد مبارزات اجتماعی و در تاریخ جنبش چپ گذاشت، و نقطه عطف مهمی در اوجگیری اندیشه های سوسیالیستی در میان اقشار جوان بویژه دانشجویان بود. در دهه های 30 تا 50 مبارزات مسلحانه مَهر خودش را بر تمامی جنبشهای انقلابی دنیا زده بود و درجه انقلابیگری ارتباط مستقیمی با درجه اقدام عملی و مقاومت مسلحانه داشت.

ادامه در صفحه ۳

آنچه باید از سیاهکل آموخت ” سیامک رضایی ”

هدف از عملیات سیاهکل آغاز مبارزه مسلحانه و در نهایت توده ای شدن آن بمنظور ساقط کردن نظام سلطنتی بود. پیشاهنگان انقلابی با انجام عملیات سیاهکل به این امر آگاه بودند که عملیاتی در این سطح و در سطوح وسیعتر تنها از طرف پیشاهنگ انقلابی قادر به سرنگونی سیستم و درهم کوبیدن ماشین سرکوب دولتی خواهد بود.

ادامه در صفحه ۱۱

پیام کمیته ولایتی کرج به رفقای شرکت کننده در یادمان حماسه سیاهکل

صفحه ۴

پیام کمیته کردستان به شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت چهل و چهارمین سالروز حماسه سیاهکل

صفحه ۴

پیام کمیته ایالتی تهران به رفقای شرکت کننده در یادمان حماسه سیاهکل

صفحه ۸

تأثیر حماسه سیاهکل در هنر و ادبیات ایران متن سخنرانی رفیق فرخ قهرمانی در بزرگداشت حماسه سیاهکل

قیل از هر چیز درود میفرستم به تمامی جانفشنان حماسه سیاهکل و تمامی جانفشنان راه آزادی، برابری و عدالت اجتماعی که آزادی و نان را برای همه به تصاویر میخواستند.

ادامه در صفحه ۵

تأثیر حماسه سیاهکل در مبارزات دمکراتیک خلقهای ایران

متن سخنرانی رفیق سالار حسامی در بزرگداشت حماسه سیاهکل

به هزاران جان شفیته ی به خون خفته سلام، به جانهای یاغی دربند، به خاطره ی آن گوزن های عاشق که رزمیدند، آفریدند و در سینه ی خلق های تحت ستم استثمار جاودانه شدند. من هم به نوبه خودم به همه شما خوش آمد می گویم.

ادامه در صفحه ۹

یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ را پاس داریم

فراز و نشیب های مبارزات مردمان یک سرزمین و به تبع آن یک قشر و طبقه اجتماعی، همواره دارای مقطعی است که به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن برکل جنبش آن قشر و طبقه و یا ملت، به نقطه عطف تاریخی تبدیل میگردد. 19 بهمن 49 و 22 بهمن 57 نیز در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده های زحمتکش ایران از نقاط عطف مهم تاریخی محسوب میشوند.

دراواخر دهه 1340 درحالی که فضای رعب و هراس و یاس و ناامیدی برجامعه حاکم بود، عده ای از جوانان کمونیست با جمعبندی از وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه و تدوین تئوری مبارزه مسلحانه، سرانجام در 19 بهمن 1349 با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه و کل نظام ارتجاعی حاکم بر ایران را آغاز نمودند. مبارزه مسلحانه توسط سازمان چریکهای فدائی خلق با هدف برقراری آزادی و سوسیالیسم بنیان نهاده شده بود، یعنی فرازی از مبارزات کارگران و زحمتکشان که پیشروان و پیشاهنگان آنها با آغاز شکلی از مبارزه برآن شدند تا جورعب و هراس برجامعه را درهم شکنند و قدر قدرتی دستگاه جهمی شاه و ترس و وحشت نهادی شده دردل طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را بشکنند و آنها را به قدرت لایزال خود آگاه سازند، تا با سلاح آگاهی و تشکل خود، نظام ارتجاعی حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خود را در دست گیرند.

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی . برقرار باد جمهوری فدائیسورانی !

یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ را پاس داریم

چند سالی از حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه نگذشته بود که به رغم شهادت بسیاری از رفقا در زیر شکنجه و میدانهای نبرد و تیرباران، آموزه های اقدام انقلابی آنان درخیزش توده ای و قیام قهرآمیز بهمن 56 تبریز به شعله ای تبدیل شد که به فاصله کمتر از یکسال سراسر ایران را فراگرفت و در 22 بهمن 57 با قیام مسلحانه رژیم ستم شاهی را به گور سپرد.

اما نباید فراموش کرد که نه اقدام انقلابی رفقای ما و نه خیزش توده های زحمتکش مردم، به تنهایی و بدون تشکل و آگاهی طبقه کارگر و به میدان آمدن این طبقه قدرتمند و بدون سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، نمیتوانست و نتوانست آرمانهای رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده در بهمن 57 را متحقق سازد. همانطور که به تجربه دیدیم هر چند در نتیجه رزم دلاورانه چریکهای فدائی خلق و قیام شکوهمند بهمن ماه رژیم شاه سرنگون شد، اما باز هم برای چندمین بار بورژوازی ایران در سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی قدرت سیاسی را در چنگ خود حفظ کرد و با تلفیق دین و دولت یکی از ارتجاعی ترین روینای سیاسی را بر جامعه ما حاکم گردانید.

اینک که 44 سال از حماسه سیاهکل و 36 سال از قیام خونین توده های مردم سپری میشود، بدلیل وجود همین ضعف ها و عدم تشکل و انسجام طبقه کارگر و نبود ستاد رزمنده آن، حاکمیت صاحبان قدرت و ثروت همچنان ادامه یافته است و جامعه ما کماکان با ستم و سرکوب و خفقان مواجه است و متحدشدن و درهم شکستن جو حاکم از هر زمان دیگری مبرمیت یافته است. موقعیت امروز جهان، و تحولات مهمی که در منطقه خاورمیانه بوقوع پیوسته است، کشور ما را در موقعیت بسیار حساس تری قرار داده است. بحرانهای منطقه ای، قیامها و اعتصابات و اعتراضات مداوم طبقه کارگر و توده های مردم و خطر جنگ ها و درگیری های فرقه ای و دخالت دولت های امپریالیستی... همه و همه جنبش

کمونیستی و چپ ایران را با موقعیتی ویژه و چالشهای پیچیده ای مواجه نموده است برای مقابله با آنها و چاره جوئی برای برون رفت از وضعیت موجود علاوه بر اتحاد بعنوان رمزپیروزی، تجربیات سیاهکل و کمونیستهای که با روحیه ای انقلابی به معضلات پیشروی زمان خود پاسخی انقلابی دادند باید مورد توجه و آموزش انقلابین فعلی در پاسخ به موانع پیشروی باشد. بی شک فائق آمدن بر تشنت و پراکندگی جنبش کمونیستی از جمله قدمهای ضروری است که در این راستا باید برداشته شوند. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در پی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و نیز تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر به این وظیفه سترگ خود آگاه بوده و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نخواهد کرد و به سهم خود از همه احزاب و سازمانها و افراد کمونیست و انقلابی بویژه کمونیستهای که در صفوف سازمان فدائی مبارزه کرده و تجربه اندوخته اند، دعوت میکند تا صفوف خود را متحد کنند و به جای دامن زدن به تفرقه و پراکندگی در این کوششها سهم و شریک ششونند.

به یاد داشته باشیم که سالگرد حماسه سیاهکل و قیام تاریخی 22 بهمن انجام وظایف و پیگیری اهدافی را به ما گوشزد میکنند که هزاران رفیق ما و ده ها هزار انسان آزادیخواه و سوسیالیست برای تحقق شان جان باخته اند. اهدافی که از آسمان نازل نشده اند بلکه انسانی ترین و مبرمترین خواست ها و آمل و آرزوهای کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، روشنفکران و بطور کلی نیروی کار و زحمت جامعه ما هستند که بوسیله مافیای قدرت و ثروت انکار و سرکوب میشوند.

بیانید به مناسبت این دو روز تاریخی 19 و 22 بهمن، یاد و خاطره همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی داریم و از تجربیات نسل های گذشته در جهت تحکیم صفوف خود و گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم و رسیدن به جامعه ای عاری از ستم استعمار

وزور و سرکوب استفاده کنیم.

گرامی باد یادجان باختگان حماسه سیاهکل و قیام خونین بهمن ماه سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست 19 بهمن 1393

گزارشی از مراسم بزرگداشت چهل و چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل



شب 21 فوریه به همت فعالین سازمان اتحاد فدائیان کمونیست واحد گوتنبرگ سوئد مراسم بزرگداشت حماسه سیاهکل برگزار شد. مراسم شامل شعر خوانی، سخنرانی، اجرای ترانه سرود های انقلابی به زبانهای کردی، فارسی، ترکی و امریکای لاتین و همچنین نمایش چندین تابلو نقاشی و طراحی تا پاسی از شب ادامه داشت. مراسم در ساعت 6 با شعرخوانی رفیق نیکی میرزائی آغاز شد و بعد از پخش کلیپی از اشعار رفیق سعید سلطانیور سخنرانی رفیق نوشین شفاهی در مورد تاثیر حماسه سیاهکل در مبارزات زنان و نقش زنان در مبارزات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به سمع و نظر شرکت کنندگان مراسم رسید. در ادامه و میان برنامه های هنرمندان شرکت کننده رفیق فرخ قهرمانی در مورد تاثیر حماسه سیاهکل در ادبیات و رفیق سالار حسامی در مورد تاثیر حماسه سیاهکل در مبارزات دمکراتیک خلق های تحت ستم و استثمار سخنرانی کردند که متن سخنرانی ها در همین شماره نشریه کار برای اطلاع خوانندگان درج شده است.

تأثیر حماسه سیاهکل در مبارزات زنان

متن سخنرانی رفیق نوشین در بزرگداشت

حماسه سیاهکل

مقاومت توده های ویتنام در مقابل ملیتاریسم آمریکا، مبارزات رهایی بخش خلق فلسطین و مبارزه مسلحانه ظفار و جنگهای چریکی آمریکای لاتین موج جدیدی از تاکتیکهای مسلحانه مبارزاتی و قهر انقلابی را پیش روی احزاب و تشکیلاتهای مارکسیستی قرار داده بود. نه فقط در ایران بلکه در هر گوشه ای از دنیا در جهت پیشبرد اهداف سیاسی- طبقاتی تاکتیکهای نظامی اولین گزینه مبارزاتی بود. در چنین اوضاع و شرایطی بود که چریکهای

سیاهکل عمل انقلابی را در مقابل پاسیفیسم و رخوت سیاسی قرار دادند.

برای درجه تاثیرگذاری و کلا پروسه تکوین مبارزاتی زنان در ارتباط با حماسه سیاهکل، باید به بستری که نبرد چریکهای فدایی در آن نطفه بست و فرآیندیکه بدنبال این

قیام باعث هرچه بیشتر رادیکالیزه شدن صفوف جنبش چپ شد را بررسی کنیم. و سیاهکل را در متن شرایط واقعی موجود آنزمان تحلیل کرده تا دلیل استقبال نیروهای جوان بویژه زنان و شور و انگیزه های انقلابی ای که در آنان بوجود آورد را بتوان درک کرد.

تحول در هر پدیده ای مبتنی بر پراتیک اجتماعی است که تبدیل به سنت یا الگوی رفتاری و یا بینشی خاصی در جامعه میشود. همانقدر که این در ارتباط با کل پدیده های اجتماعی مصداق دارد، همانقدر هم برای یک تحول انقلابی و پویا شرط لازم این است که با شناخت و تحلیل از شرایط موجود، تجارب گذشته را طوری بکار گرفت که به خلاقیت و زایش اندیشه انقلابی و ستیزه جو در یک جامعه اختناق زده بیانجامد. در ایران سالهای دهه چهل به یمن سازشکاری خائنانه حزب توده، فضای انفعال سیاسی و محفلیم، جنبش چپ را علیل و بی خاصیت کرده بود و رعب و وحشت حاکم بر جامعه بهانه ای برای

بی عملی و توجیهی برای حرافیهای محفلی معرفی میشد. رفقای قیام سیاهکل بدروستی با تکیه بر تحلیل سیاسی جامعه آنزمان و در نقد و مرزبندی با این سازشکارها و مامشات سیاسی بود که پرچم احیای آرمانهای سوسیالیستی را برافراشتند و با تحلیلشان از المنتهای سیاسی-اجتماعی آندوره پاسخ را در درهم شکستن دیوار شیشه ای رژیم پلیسی شاه و بیداری عصیان انقلابی توده های مبارز دیدند. اگرچه نتیجه ای را که رفقای جنگل از این نبرد انتظار داشتند محقق نشد و همگی جانهای عزیزشان را ودیعه این مبارزه کردند ولی جزیره ثبات رژیم سلطنتی بعد از آن هرگز روز آرامش بخود ندید.

حضور زنان در جنبشها و مبارزات تاریخی ایران قابل انکار نیست ولی آنچه که مشارکت زنان را در مبارزه مسلحانه در نیمه اول دهه ۵۰ برجسته میکند. ماهیت شکل مبارزه و مضمون آن بود. این زنان برای استقرار سوسیالیسم و رفع ستم طبقاتی وارد صحنه مبارزه شده بودند نه صرفا فعالیت در راستای مطالبات جنسیتی زنان.

بدنبال سرکوب وحشیانه سیاهکل و مقاومت حماسه ای رفقای رزمنده، مبارزه قهرآمیز جنگل با ایجاد کانونهای چریکی در شهرهای مختلفی بویژه تهران ادامه پیدا کرد. با اعتبار روزافزون چریکهای فدایی در بین جوانان بخصوص دانشجویان، و علیرغم زندگی مخاطره آمیز چریکی زنانی بیشتری به صفوف چریکها ملحق شدند. در واقعه حماسه سیاهکل کل رفتار اجتماعی-سیاسی جامعه دیکتاتورزده ایران را متحول کرد. پیوستن زنان به این مبارزه باورهای سنتی و مرسوم در ارتباط با ظرفیتهای زنان، نقش و اراده مصمم آنان برای یک دنیای بهتر را زیر و رو کرده و عامل جنسیتی را در مسئولیت پذیری و ضوابط تشکیلاتی به اسطوره ها سپرد. فداکاری و بریدن از وابستگیهای اجتماعی و خانوادگی و تن به خطر دادن از ملزومات مبارزات مسلحانه و چریکی بود. در یک فرهنگ مردسالارانه، زن به یک موجود ظریف و محتاط و پشت صحنه-آرا تعریف میشود و سنتاً انتظار می رود که نامه رسان و محمل امنیتی رفقای مرد باشد تا

اینکه امر رهبری و سازمان دادن عملیات نظامی را عهده دار شود و یا در تاکتیکها و تصمیمات سازمانی دخالتگری کند. زنانی که بعد از سیاهکل در سنگر فداییان جنگیدند، نه رفقای درجه دوم بلکه دوش بدوش رفقای مرد، مبارزه و تا پای جان مقاومت کردند. سیر تحول جنبش کمونیستی به اعتبار همین رویکرد انقلابی هیچوقت مثل گذشته نماند. زنان بیشتری به چپ انقلابی پیوستند که مبارزه و مقاومتشان انگیزه و سمبل آرمانهای زیبای انسانی برای زنان بشمار جوانی شد که خود در ادامه تکوین جنبش چپ چه در سنگر جنبش فداییان و چه در سنگر سازمانها و احزاب انقلابی چپ دیگر

حماسه های نوینی در زندانها و کوهستانهای کردستان و کوچه خیابانهای شهرهای ایران آفریدند. در عرصه ادبیات و هنر، شجاعت و مقاومت معانی و مفاهیم دیگری پیدا کرد و استعاره های جدیدی برای توصیف تهور و از خود گذشتگی زنانی خلق شد که خود

حماسه آفرینان عرصه های دیگری از مبارزه شدند. و موجد یک رویکرد تازه نه فقط به ستم جنسیتی بلکه در هنر و ادبیات اعتراضی زنانه ای شد، که خود خط تمایز فرهنگی-هنری اش را با آنچه که در گذشته وجود داشت بسیار پر رنگ ترسیم میکرد. فرآیندی از تابوشکنی نه فقط در فعالیتهای سیاسی بلکه در حوضه های مجاز احساسی و رفتاری را اجازه داد که زنان نه فقط مادران شجاع مردانی مبارز، بلکه خود به چریکهایی تمام وقت تبدیل شده بودند. این تمایز، انرژی انقلابی دیگری در رگ جامعه تزریق کرد که اکثریت قریب به اتفاق نسل جوان سالهای 50 به بعد را چه در نقدشان از سیستم طبقاتی موجود و چه در نگاه و روایت هنری و ادبی شان به پدیده های اجتماعی و پیرامونی شان متحول کرد. حضور زنان در جنبشها و مبارزات تاریخی ایران قابل انکار نیست ولی آنچه که مشارکت زنان را در مبارزه مسلحانه در نیمه اول دهه 50 برجسته میکند،



تأثیر حماسه سیاهکل در مبارزات زنان

ماهیت شکل مبارزه و مضمون آن بود. این زنان برای استقرار سوسیالیسم و رفع ستم طبقاتی وارد صحنه مبارزه شده بودند نه صرفاً فعالیت در راستای مطالبات جنسیتی زنان. تا قبل از آن زنان زیادی بیشتر بشکل پراکنده در نهادها و سازمانهایی قانونی و یا نیمه قانونی به آموزش حقوق زنان و درگیر کردن آنان در فعالیتهای اجتماعی مشغول بودند که بیشتر در چهارچوب حقوق دموکراتیک و تابوشکنی تعریف میشدند. نبرد سیاهکل شور و انرژی دیگری در این زنان بوجود آورد که در تاریخ مبارزاتی ایران کم سابقه بوده است. آنان پایه گذار جنبش نوینی شدند که مطالبه رهایی زن و امحاء استثمار جنسیتی دوگانه را در مبارزه طبقاتی و تلاش در مسیر یک انقلاب اجتماعی تبلیغ میکرد.

این زنان ثابت کردند که پای در مبارزه طبقاتی گذاشتن غیر از آگاهی و تئوری طبقاتی به تهور، تعهد، قبول مسئولیت، کار تیمی و شم مبارزاتی نیاز دارد و زنان از این بابت کم نمی آورند.

آری، زنان کمونیست فدایی سمبل و الگوی دختران جوان و زنان نسل انقلاب و نسلهای بعدی شدند، که خود آغازگر جنبش خستگی ناپذیر و پابرجای زنان امروز شد. جنبشی که با افت و خیزهای فراوان ولی همیشه در صحنه، در مقابل رژیم ارتجاعی اسلامی هرگز به زانو در نیامده است. مبارزه برای احقاق حقوق برابر جنسیتی در راستا و همسویی با مبارزات اجتماعی و طبقاتی پیش میرود و زنان هم بخشی از این ارتش انقلابی مبارزه هستند. و این مبارزه طبقاتی خود ناگزیر مطابق با اوضاع و احوال سیاسی روز و نیازهای مبارزاتی آن تغییر کرده و دگرگون میشود و مبارزه قهرآمیز نیز از ضروریتهای آن است. سیاهکل طلیعه این چنین جنبشی و با چنین پتانسیل انقلابی بود که راهگشای سنتی نوین با نگاهی طبقاتی به ستمها، اسارتها و فلاکتهای سیستم سرمایه داری در جامعه ایران شد.

گرامی باد یاد حماسه آفرینان سیاهکل

جاودان باد راه زنان و مردان چریک فدایی

نوشین شفاهی 19 بهمن 1393

پیام کمیته ولایتی کرچ به رفقای شرکت کننده در یادمان حماسه سیاهکل

سلامی گرم به شما عزیزان شرکت کننده و دست اندرکاران یادمان سیاهکل
رفقا در 44 سال پیش در شرایطی که رعب و وحشت بر جامعه سایه افکنده بود و از ان مهمتر تمامی باورهای طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه نسبت به کمونیستها ضربه خورده بود .

زحمتکشان جامعه ما در مورد مبارزات و پیگیری و صداقت کمونیستها فقط در کتابها و قصه های مبارزات کمونیستها با فاشیسم شنیده و یا خوانده بودند اما زمانی که باید به عینه این از خود گذشتگی ها را در سطح جامعه می دیدند رهبران حزب توده که عمده از اریستوکرات های جامعه بودند به خارج فرار کرده و جوی از بی اعتمادی را پشت سر خود جا نهادند. تا اینکه زنگ خون در سیاهکل به صدا در آمد. جوانانی پرچم مبارزه طبقه کارگر را بر افراشته و با تمام وجود به اهداف ان وفادار مانده و از شکنجه گاههای رژیم تا کوی و برزن و خیابانها را به میدان مبارزه و حماسه تبدیل نمودند و با این از خودگذشتگی بود که بار دیگر اندک اندک اعتماد جامعه را به کمونیسم جلب نموده و در این راه انقدر پیش رفتند که گفتمان مارکسیست لنینیسم را به گفتمان روز بدل نمودند و تمامی مبارزات ان روزگار را تحت تاثیر قرار دادند. کدام وجدان بیداری است که در مورد ان شرایط به قضاوت بنشیند و نقش فدایی را در تولد جنبش کمونیستی ایران و آغاز جنبش نوین کمونیستی در ایران را انکار کند . مگر آنها که با کمونیست ها تضادی انتا گونیستی دارند.

اینک پس از 44 سال از ان مبارزات برای بزرگسالان فقط خاطره باقی مانده و برای جوانان فرهنگی غریب و حماسه ای اساطیری است که میشود سینه به سینه شنید یا در بعضی از کتابها خواند و به هیچ وجه قابل لمس نیست .ولی همین جوان امروزی علیرغم فرهنگ ان بخش از سرمایه داری که سالهاست بر جامعه غالب است همین فرهنگ دروغ و ریا و خودخواهی که برگرفته از سرمایه داری دلالی است که بر ما حکومت می کند ، در 88 نشان دادند که می خواهند و می توانند حماسه

بیافرینند فقط کمبودی که سرعت مبارزاتی انها را کاهش میدهد ملموس نبودن فرهنگ مبارزه و عینی نبودن مبارزات پیشگامان مبارزه است . وگر نه همین جوانان نشان دادند که اگر شرایطی پیش آید عقب نشینی نخواهند کرد.

به وجود آوردن ان شرایط از وظایف ماست رفقا ما باید در جهت اتحاد بین کمونیست ها پیش روی کنیم و این میسر نخواهد شد و در واقع اتحادهایی که با جنبش پیوند در داخل نداشته باشد پایدار نخواهد ماند . تنها اتحادی که در خارج از کشور میشود روی ان کار کرد و امیدوار بود که می تواند پایدار بماند اتحاد بین خانواده فدایی است علیرغم اینکه در مواردی کوچک هم متفاوت فکر کنیم . در اصول ما اشتراکات بزرگی داریم که اختلافهای کوچک را تحت شعاع قرار می دهد . پس بیایم در جهت پیوند خانواده فدایی قدم برداریم و فقط خائنینی که تحت عنوان اکثریت از این خانواده جدا شده اند را مستثنی کنیم . به امید روزی که جنبش فدایی متحد و پر توان در مبارزات هر روزه توده ها همچون گذشته نقش خود را ایفا نماید.

سرنگون باد جمهوری جهل و سرمایه اسلامی

برقرار باد جمهوری فدائو شورایی

کمیته ولایتی کرچ 19/11/93

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
یک سازمان کمونیستی و بخشی
از طبقه کارگر است که در جنبش
آن شکل گرفته و هدف خود را
گسترش و تکامل مبارزه طبقه
بسمت پیروزی نهائی و ساختمان
جامعه سوسیالیستی و کمونیستی
قرار داده است ، که در آن وحدت
و یگانگی انسان تامین و تکامل
هر فرد شرط تکامل همگان است .
مبانی سیاسی و خط و مشی آن در
برنامه سازمان بیان گردیده است .**

تأثیر حماسه سیاهکل در هنر و ادبیات ایران

متن سخنرانی رفیق فرخ قهرمانی در بزرگداشت حماسه سیاهکل

به گمان من بدون تردید باید پذیرفت که هیچ حرکت و جنبشی در صد سال اخیر پس از جنبش مشروطه به اندازه حماسه سیاهکل که در حقیقت آغاز قوه به فعل در آمدن جنبش مسلحانه در دهه چهل و پنجاه میباید بر هنر و ادبیات ایران تأثیر گذار نبوده است. حتی در مواردی این تأثیر خون تازه ای در رگ آثار باقی مانده از دوران مشروطیت جاری نمود.

قبل از هر بحث دیگری به نظر من اول بایستی تکلیف مان را با تعریف هنر و هنرمند روشن کنیم، آنچه که تا کنون همواره وجود داشته هنرمندانی خود و هنرشان همیشه در خدمت دستگاه حاکمه بوده اند و در مقابل این هنرمندان، هنرمندانی قرار دارند که به عنوان هنرمندان متعهد شناخته میشوند که هیچ گاه نسبت به مسائل اجتماعی خود بی تفاوت نبوده اند. اما دسته سومی نیز که شاید همواره در اکثریت هم میباشند وجود داشته اند که به طرفداران هنر برای هنر و یا هنر خنثی معروفند. من خود فکر میکنم کوتاه ترین و جامع ترین و زیباترین تعریفی که از هنر خواننده ام متعلق به فیلسوف معروف فرانسوی ژان پل سارتر است که میگوید "هنر برای تحرک جامعه نه برای تقبل عامه" از همین زاویه است که می بینیم فروغ فرخ زاد چگونه بی پروا به این دو دسته از هنرمندان در یکی از زیبا ترین اشعارش "ای مرزپرگهر" می تازد جایی که من، با اولین نگاه رسمیم از لای پرده ششصد و هفتاد و هشت شاعر را میبینم که، حقه بازها، همه در هیبت غریب گدایان در لای خاکروبه، بدنبال وزن و قافییه میگردند..... تمامی فضای این شعر اعتراض به مسائل تصنعی جامعه در دهه چهل است که حاکمان و مسند نشینان سعی در به وجود آوردنش دارند و به قول فروغ "فضای فکورو فضله های فاضل روشنفکرو پیروان مکتب داخ داخ تاراخ تاراخ و آنان که مجله هنر و دانش و- تملق و کرنش را خوانده اند و شیوه درست نوشتن را یاد گرفته اند" سعی در بزک و حفظ آنها را و فروغ به عنوان

شاعریا هنرمندی که هنر را برای تحرک جامعه میخواهد فریادش را بلند میکند که "هر روزه ششصد و هفتاد و هشت قوی قوی هیکل گچی به اتفاق ششصد و هفتاد و هشت فرشته به طرح های سکون و سکوت مشغولند" حال مجدداً به حماسه سیاهکل باز میگردیم حماسه سیاهکل را نه میشود و نه میتوان به شکلی مجرد بیان داشت سیاهکل محصول یک پروسه و در حقیقت پاسخ به یک نیاز اجتماعی در یک دوره تاریخی معین و شرایط معینی در جامعه است به همین دلیل هم وقتی جرعه پاسخ به این نیاز در 19 بهمن 49 در سیاهکل توسط چریکهای فدائی خلق برای اولین بار زده میشود چنان تأثیری بر ادبیات و هنر ایران میگذارد که هیچ نیروی امروزه نمی تواند منکر آن باشد. متأسفانه در وقت و مناسبت این بحث نمی گنجد اگر بخواهیم شرایط سیاسی دهه چهل را ارزیابی کنیم اما چون بحث هنر و ادبیات است و از انجائی که به نظر من هنرمند متعهد همواره صدای ستم دیدگان است نه ستمگران، صدای حکومت شوندهگان است نه حکومت گران و انعکاس دهنده مسائل، دردها و خواسته ها و بیان گروا قیامیات اطراف خود میباشد مجدداً سری به اشعار فروغ فرخ زاد میزنیم. انتخاب فروغ بیشتر به این دلیل است که اگر زنهائی را که خود متعلق به جنبش فدائی و یا جزئی از جنبش مسلحانه در آن دوران بودند را به عنوان انقلابیون هنرمند از صف هنرمندان جدا کنیم آنگاه میتوان ادعا کرد که فروغ در میان شاعران آن دوران تنها زنی بوده است که چنین اشعاری را میتوان از او سراغ داشت اشعاری که به خوبی نشان دهنده گیرنده های حسی بسیار قوی فروغ است که طوفان و غوغائی را که نسل جوان زیر پوست خود دارد و هر آینه چشم به انفجار دوخته است را میگیرد "حیات خانه ی ما تنهاست، تمام روز از پشت در صدای تکه تکه شدن می آید و منفجر شدن، همسایه های ما همه در خاک باغچه هاشان بجای گل خمپاره و مسلسل می کارند، همسایه های ما همه بر

روی حوض های کاشیشان سرپوش می گذارند، حوض های کاشی بی آنکه خود بخواهند، انبارهای مخفی باروتند، و بچه های کوچکی ما کیف های مدرسه شان را از بمب های کوچک پر کرده اند، حیاط خانه ی ما گچی است. "فروغ نه تنها این انفجار را حس میکند بلکه به نوعی آنرا به عنوان نیاز نه نیاز او که نیاز آن روز جامعه فریاد میکند." و مردم محله کشتارگاه، که خاک باغچه هاشان هم خونست و آب حوض هاشان هم خونست، چرا کاری نمی کنند، چرا کاری نمی کنند. ولی فروغ به عکس بسیاری دیگر مَقهور آن شرایط خفقان و دیکتاتوری نیست و یاس و ناامیدی تمام وجودش را نگرفته و امیدوارانه میگوید که "کسی از آسمان توپخانه در شب آتش بازی میآید و سفره را می اندازد و همه چیز را قسمت میکند". همانطور که قبلاً هم اشاره کردم این شرایط و این انفجار در آثار هنرمندان دیگری هم به خوبی به چشم میخورد از فیلم "اون شب بارونی" ی کامران شیردل گرفته تا چوب به دست های ورزشی ساعدی، از نمایشگاه نقاشی های علی رضا اسپهبد به نام کلاغ ها گرفته تا، اشعار شاملو، اشعار و نمایشنامه های سعید سلطان پور اشعار و مقاله های خسرو گل سرخی از قضا شاملو نیز شاخک های حسی بسیار قوی در این رابطه داشته تا آنجائی که میگویند پس از تجدید چاپ شعر کوتاه "طرح" در آن مقطع امیر پرویز پویان به هزار خوانی میگوید: مثل اینکه کسی بحث های درون چاپ را به شاملو منتقل میکند. بی سبب نخواهد بود اگر یادی هم از صمد بهرنگی که خود یکی از افراد هسته های اولیه تبریز بود داشته باشیم که چگونه کودک قهرمان داستانش در پایان داستان 24 ساعت خواب و بیداری آرزوی مسلسل پشت و پتیرین اسباب بازی فروشی را مینماید. جای پای این فضا حتی در فیلم های سینمایی و ترانه های پاپ هم به خوبی دیده میشود. توجه کوچکی به شرایط دهه چهل قبل از حماسه سیاهکل را بدان دلیل لازم دیدم که یادآوری کرده باشم که حماسه سیاهکل حرکت چند جوان ماجرا جو که مجنوب چه گوارا و یا مبارزات چریکی آمریکای

تأثیر حماسه سیاهکل در ادبیات

لاتین شده اند نبوده بلکه همانگونه که قبلاً هم اشاره کردم این حرکت در پاسخ به یک نیاز اجتماعی با شکلی جدید از مبارزات ضد دیکتاتوری ضد سرمایه کلنگ مبارزه مسلحانه در ایران را بر زمین کوبید و با این حرکت فاز نوینی در تاریخ هنر و ادبیات کشورمان بوجود آورد. آثار هنری و ادبی بوجود آمده پس از حماسه سیاهکل بنوبه خود تأثیرات شایان توجهی در روحیه مبارزاتی مبارزان چه در زندان ها و چه در سنگرهای مبارزاتی به جای گذاشت. این ها تأثیرات دیالکتیکی مقابلی بود که هر آینه یکدیگر را متکامل تر میکردند. این تأثیرات تنها منحصر به دوران مبارزات چریکی باقی نماند تعدادی از آثار خلق شده پس از حماسه سیاهکل چنان به درون توده ها را یافتند و چنان مردمی شدند که نیرو دهنده روحیه مبارزاتی مبارزان در تمام دوران جمهوری اسلامی به خصوص در زندان های جمهوری اسلامی و به ویژه در دهه شصت بودند. جنبش چریکی در واقع پاسخی هم به درماندگی های چپ سنتی ایران بود و روشنفکران چپ ایران را به نوعی از رکود فکری و عملی غالب بر آنها چه در ایران و چه در خارج از کشور خارج و نه تنها گرایش غالب بر چپ مستقل ایران را حول این حرکت متحد نمود بلکه گرایش غالب روشنفکران ایران را نیز به حمایت از مبارزات مسلحانه برانگیخت. به دلیل اختناق حاکم و فشار سانسور و رویکرد هنرمندان به استعاره نویسی سبک و سیاق نگارش، مضامین به کار گرفته شده ی جدید چنان تحولی در هنر و ادبیات ایران به وجود آورد که محققانی از جمله شفیعی کدکنی در دوره بندی ادبیات و هنر معاصر دوره 49 تا 57 را دورانی مستقل در ادبیات و هنر ایران تعریف میکنند پس از حماسه سیاهکل اولین کار نقاشی از سیاهکل توسط بیژن جزنی در سال 50 و در زندان عشرت آباد به تصویر کشیده میشود. این تابلو را یکی از شاهکارهای هنر نقاشی معاصر ارزیابی کرده اند. شخصیت اصلی این تابلو گوزنی است که با در دست داشتن شمشیری به مبارزه با تاریکی ها میرود. در حقیقت گوزن در این تابلوی کوبیسم سمبل چریک ها میباشد. در همین رابطه نیز یکی از آثار ماندگار موسیقی سنتی ایران با تصنیف پویان توسط یکی از قوی ترین گروه های موسیقی سنتی ایران گروه چاوش در سال 56 به اجرا در

میآید " شب است و چهره ی میهن سیاهه ، نشستن در سیاهی ها گناهه ، تفنگم را بده تاره بجویم ، که هر که عاشقه پایش به راهه و سپس در ادامه می آید " شب و دریای خوف انگیز و توفان ، من واندیشه های پاک پویان ، برابم خلعت و خنجر بیاور ، که خون می بارد از دل های سوزان. " باید به این نکته مهم دقت داشته باشیم که تمامی آثاری که یا در رابطه با سیاهکل و مبارزه مسلحانه ساخته شد و یا حتی به آن منتسب گردید تبدیل به جزئی از توده ای ترین و ماندگارترین آثار هنری ایران گردید. در سینما قهرمان فیلم گوزن ها را که یکی از بهترین کارها ی مسعود کیمیائی میدانند چریکی مسلح است که امیر پرویز پویان را به اذهان متبادر میکند و نه بطور یقین اما شاید انتخاب نام فیلم هم بی ارتباط با گوزن تابلوی سیاهکل جزنی نباشد. اما در فیلمی دیگر امیر نادری در قابی از فیلم " خداحافظ رفیق " عکس 9 چریک فراری را میگذراند. در موسیقی اما ترانه سرایان و آهنگ سازان بخاطر گذشتن از صد سانسور و ممیزی ساواک به حربه ای تازه روی می آورند و آن ساختن ترانه و آهنگ برای فیلم است که هنوز عقل ساواک به سانسور آن نرسیده است از

یکی از آثار ماندگار موسیقی سنتی ایران با تصنیف پویان توسط یکی از قوی ترین گروه های موسیقی سنتی ایران گروه چاوش در سال ۵۶ به اجرا در میآید " شب است و چهره ی میهن سیاهه . نشستن در سیاهی ها گناهه . تفنگم را بده تاره بجویم . که هر که عاشقه پایش به راهه و سپس در ادامه می آید " شب و دریای خوف انگیز و توفان . من واندیشه های پاک پویان . برابم خلعت و خنجر بیاور . که خون می بارد از دل های سوزان.

جمله ی این ترانه ها میتوان به ترانه کنجشکک اشی مشی که با صدای فرهاد بر روی آهنگی از اسفندیار منفرد زاده و با سروده ای از شهیار قنبری بر روی فیلم گوزن ها اجرا شد اشاره کرد. اسفندیار منفرد زاده چند ماه پس از حماسه سیاهکل تصمیم میگیرد آهنگی برای این واقعه بسازد و از شهریار قنبری هم میخواهد ترانه ای درمورد دلگیر بودن غروب جمعه بسراید. وقتی این ترانه به نام جمعه به بازار آمد یکی از پر فروش ترین صفحه های موسیقی ایرانی تا آن زمان گردید و خواننده آن فرهاد د به یکی از مشهور ترین خوانندگان به ویژه به عنوان خواننده معترض و سیاسی در آمد اوج این شهرت را میتوان پس از اجرا و پخش آهنگ شبانه دانست این اثر ساخته ای است از اسفندیار منفرد زاده بر روی شعری از احمد شاملو. این ترانه تا مدت ها میان روشنفکران تداعی گر واقعه سیاهکل پنداشته میشده.

مدیر استریو دیسکو که منتشر کننده این آهنگ و همه کارهای فرهاد در فاصله سالهای 50 تا 57 بوده است میگوید: پس از آنکه ساواک این صفحه را جمع کرد دانشجویان جلد های خالی صفحه شبانه را به چند برابر قیمت خود صفحه می خریدند. یکی دیگر از ترانه های مشهوری که در رابطه با حماسه سیاهکل ساخته شد ترانه سرود جنگل است که سروده ای است از جنتی عطائی بر روی آهنگی از بابک بیات که با صدای داریوش اجرا شد. این ترانه را جنتی دقیقاً در شرایطی سرود که پوستری از چریکها چاپ شده و در جنگل تحت تعقیب قرار داشتند. حماسه سیاهکل چنان تأثیری بر موسیقی دهه پنجاه میگذارد که حداقل برای یک دهه ابولحسن وری ، پژمان بختیاری ، نواب صفوی ها جای خود را به شهریار قنبری ، ایرج جنتی عطائی و اردلان سرفراز ها میدهند ابولحسن صبا ها ، مرتضی نی داود ها و کلنل علینقی خان وزیری ها در سایه منفرد زاده ، بابک بیات ، و ارورژان ها قرار میگیرند و خوانندگانی چون فرهاد ، داریوش ، فریدون فروغی ها آن چنان به درون توده ها میروند که تا مدتها سایه اشان بر خوانندگانی چو بدیع زاده ، قوامی ، فاخته ای سنگینی میکند و اشعار نیز از قافیه های گل و بلبل و کمنند گیسوی یار میگذرد و تبدیل به جمعه ای غمگین میگردد که از ابر سیاهش خون میچکد و یا کوچه های باریک و دکانهای بسته ای را به تصویر میکشد که از آنها مردگانی را میبرند که مردنشان نه بخاطر تمام شدن نفت چراغشان است که هنوز یک عالمه نفت توی چراغشان است. در این میان نباید نقش ترانه سرودها را فراموش کنیم ترانه سرودهایی نظیر قسم، رود، خون ارغوانها ، آتش ، زندانی ، آفتاب کاران جنگل و ده ها ترانه سرود زیبای دیگر که برخی از این ترانه سرودها آن چنان به درون توده ها رفتند که به جرات میتوان ادعا کرد که مثلاً ترانه سرود آفتاب کاران جنگل مرزهای مرغ سحر را درنوردید اما نه برای یک دهه یا یک دوره خاص که میتوان گفت جاودانه شد. بی تردید چه قبل و چه پس از حماسه سیاهکل بیشترین تأثیر پذیری و تأثیر گذاری از حماسه سیاهکل و جنبش مسلحانه از آن شعرو ادبیات است. در این رابطه میتوان از شاملو ، نعمت آرم ، خسرو گل سرخی ، کرامت دانشیان ، سعید سلطان پور ، هوشنگ ابتهاج ، اسماعیل خونی مهدی اخوان ثالث و بیشماران دیگری نام برد. پس از سیاهکل بیشترین سهم در ادبیات متعلق به شاملو میباشد.

ادامه در صفحه ۱۰

پیام کمیته کردستان به شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت چهل و چهارمین سالروز حماسه سیاهکل

سلام ای سازمان فردا
سلام ای سازمان عشق
سلام ای گسترش میهنی
سلام ...

در چهل و چهارمین سالروز رستاخیز سیاهکل بنیانگذاری سازمان چریک های فدایی خلق ایران گرمترین و انقلابی ترین درودهایمان را نثار شما رفقای شرکت کننده در مراسم بزرگداشت این روز تاریخی می کنیم.

چهل و چهار سال پیش در شرایطی که دیکتاتوری افسار گسیخته رژیم پهلوی با همکاری و پشتیبانی تمام عیار حامیان امپریالیستش جو رعب و سکوت را بر جامعه ایران مستولی کرده بود ، در اعماق جنگلهای سیاهکل این صفیر گلوله فدایی بود که خواب از چشمان مزدوران رژیم و سرخوردگان محفل گرا ربود.

اقدام قاطع و انقلابی رفقای حماسه آفرین ما در آن مقطع تاریخی ناشی از درک عمیق و علمی از پدیده های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی حاکم بر جامعه آنروز ایران بود و توهم و خیانتها و تحلیلهای غیر واقعبینانه و انحرافی را پاسخی چنین می بایست که پیشرو فدایی بدون ترس از ارتکاب اشتباهات و رفع آن در جریان عمل ، قاطعانه رسالت تاریخی خود را در جهت رشد و تکامل مبارزه طبقاتی ایفا نماید .

جنبش آغاز شده توسط رفقای فدایی تنها در طی 8 سال به آنچنان جنبش عظیمی تبدیل شد که در اعماق توده های کارگر و زحمتکش نفوذ کرد و به یک جریان در عرصه سیاسی _ اجتماعی جامعه تحت سلطه ایران میدل شد و طوفان وار جزیره ی ثبات و آرامش امپریالیسم جهانی را آماج حملات قاطع و انقلابی خویش قرار داد چنانچه در 22 بهمن 57 با نفوذ میلونی خود در توده های بپاخاسته میهنان و با پشتوانه ای عظیم موجبات سرنگونی یکی از عقب مانده ترین سیستمهای سیاسی _ اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را فراهم ساخت .

آرمانهای والایی که چهل و چهار سال پیش رفقای پاکباز فدایی را به اقدام قاطع و انقلابی وا داشت همچنان الهام بخش هزاران و میلیونها انسان آزادیخواه و برابری طلب در مصاف با حکومت جهل و تاریکی و استثمار سرمایه داری بمنظور برقراری جامعه ای عاری از تمامی مظاهر ستم و استثمار است . آرمانهایی که پشتوانه قدرتمند آنان گذار از

مبارزه ای خونین و پر فراز و نشیب چهل و چهار ساله است . بگذار فرصت طلبان و دست پروردگان مکتب بورژوازی هر يك از زاویه مشخصی و با قلم فرسایی و درست کردن شوهای میتدل سرآغاز جنبش نوین کمونیستی را مورد حمله هدمند خود قرار دهند . فدایی کمونیست را چه باک اگر در مسیر تحول و در کوران مبارزه طبقاتی هزار جبهه بر او گشوده شود .

در پایان ضمن درود مجدد به شما رفقای شرکت کننده در مراسم و تشکر از رفقایمان در واحد گوتنبرگ سازمان برای تدارک این مراسم ، یاد و خاطره فرزندان دلاور خلق و تمامی مبارزین راه آزادی و برابری را گرامی میداریم و به خون سرخشان سوگند میخوریم که تا سرنگونی رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و امپریالیسم و ایادیش یکدم از پای ننشینیم . به امید روزی که مراسم های این چنین را در سراسر ایران و با حضور میلیونی کارگران و زحمتکشان گرامی بداریم .

در اهتزاز باد پرچم برافراشته شده رستاخیز کبیر سیاهکل

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شواری

کمیته کردستان سازمان اتحاد فداییان کمونیست

19 بهمن 1393

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بخشی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در تاریخ بهمن ۱۳۴۹ با حماسه سیاهکل متولد شد . فدائیان کمونیست قبل از قیام بهمن ماه ۵۷ در کنار سایر رزمندگان راه آزادی بر علیه نظام شاهنشاهی مبارزه کردند و با امید به پیروزی در سرنگونی رژیم شاه نقش مهمی بازی کردند . بعد از شکست انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ، فدائیان کمونیست به همراه بخشی از مردم کارگر و زحمتکش در کارخانه ها ، دانشگاه ها مدارس و روستا ها که منافع خود را در تضاد با حاکمیت سرکوبگر جدید میدیدند ، به تداوم انقلاب پای فشردند در سازماندهی و هدایت مبارزات کارگران ، دهقانان ، زنان و سایر اقشار اجتماعی شرکت کردند .

خون لاله ها

خسرو گل سرخی

گل های وحشی جنگل
اینک به جست و جوی خون
شهیدان نشسته اند
جنگل
کجاست جای قطره های خون
شهیدان ؟
ایا
امسال خواهد شکفت این لاله
های خون ؟
ایا پرندگان مهاجر
امسال
با بالهای خونین
آن سوی سرزمین گرفتاران
آواز می دهند ... ؟
ایا کنون
نام شهیدان شرقی ما را
آن سوی مرزها
تکرار می کنند ؟
امسال
جای پایشان
بارانی از ستاره خواهد ریخت ؟
امسال
سال دست های جوان است
بر ماشه های مسلسل
امسال
سال شکفتن عدالت مردم
امسال
سال مرگ دشمنان و هرزه
درایان
امسال
دست های تازه تری شلیک
می کنند
جنگل
پیراهن محافظ در ستیز خلق
باران بی امان شمالی
اگر بشوید خون
خون مبارزان
این لاله های شکفته
در رنج و اشک ها
در برگ های سبز تو هر سال
زنده است
آوازه های خونین
امسال زمزمه ی ماست
اما
در چشم ما
نه ترس و نه گریه
خشم بزرگ خلق
در هر نگاه ساکت ما
شعله می کشد

پیام کمیته ایالتی تهران به رفقای شرکت کننده در یادمان حماسه سیاهکل



چریک نمی

میرد

”رفیق مرضیه احمدی
اسکویی“

**به خاطره ی رفقا.
احمد خرم آبادی و
کاظم سلامی**

من از کرانه های داغ خلیج می آیم
از شن زار تفته
من از سیستان و کردستان برخاسته ام
در صلابت کوه های لرستان
اوج سرفرازی را یافته ام
و شرارت بادهای کویر را دیده ام

من از دشت های وسیع خراسان
و دره های عمیق آذربایجان گذشته ام

از فراز دماوند سرکش
تا نشیب دامنه های البرز
از کناره ی خشک رودها
تا ساحل خون آلود خزر عبور کرده ام
و در جلال جنگل داغدار زیسته ام

من تاول چرکین دست های
کارگر بندری ام
من فوران خشم ماهیگیر گیلک ام
من غیرت آزادگی بلوچ ام
من عصیان کوبنده ی ترکمن ام
من زمزمه های سرخ خلق را
با حنجره ی صدیق سلاح ام
در فضای ملتهب میهن
فریاد می کنم

**با کمک های مالی خود
، سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست را در پیشبرد
برنامه و اهداف انقلابی اش
یاری رسانید .
شماره حساب :**

**NL 18 ABNA 0482003227
ALI hassanlu**

جمله پس و پیش مشهود است . برآستی اختلافات ما از اشتراکات ما بیشتر است ؟ چگونه است با محافل با اسامی پر طمطراق چون میز کتاب ، انجمن دفاع از کارگر ، انجمن دفاع از زندانی سیاسی ، فلان جریان م.ل.م. و فلان جریان چپ مدرن !! (که چپ سنتی !! نقل مجالس خنده بازارشان است) میتوانیم گرد هم آییم تا بااصطلاح اپوزسیون چپ انقلابی را شکل دهیم ولی چند نفر اعضای یک خانواده نمیتوانیم دور هم بنشینیم و جنبش فدایی را احیا کنیم؟

واقعیت دردناک و غیر قابل انکار این است که علیرغم تبلیغات و هیاهویی که گروه های چپ در برنامه های متعدد تلویزیونی ارایه میدهند ، جنبش کمونیستی ایران حال و روز بهتری از جنبش کمونیستی قبل از بهمن 49 ندارد با این تفاوت که در گذشته تنها سکوت بر این جنبش حاکم بود و حال فقط حرف و حرف و حرف که نه تنها رژیم کمترین خطری را از این جنبش احساس نمیکند بلکه طبقه کارگر هم کمترین اهمیت را به آن میدهد آن هم به یک دلیل ساده ، عدم حضور در ایران ، نکته ای که خودشان بدان باور ندارند و این خوش باوری بلای جان کمونیستهای ایران است و به قول رفیق گلسخی میپندارند مرکز زمین آنجاست که خود ایستاده اند . بر این باوریم می بایست و میتوانیم 19 بهمن دیگری بیآفرینیم (نه بدین معنی که بار دیگر سلاح بدست گیریم و از جنگل دیگری سر برآوریم) و با احیای مجدد جنبش فدایی تاثیر بسزایی بر سیر تحولات درون جنبش کمونیستی ایران بگذاریم . جنبش خود خواهان و خود محوران نابینا نیاز به تلنگری اساسی دارد تا از این طریق بزرگترین خدمت را به طبقه کارگر ایران بنماییم. میبایست به خاطر طبقه کارگر مستاصل و خسته و ناامید ایران، به خاطر خونهای پاک بر زمین ریخته رفقای دلیرمان ، به خاطر ددمنشی ها و جنایات و غارتگریهای رژیم فاسد جمهوری اسلامی ، گرد هم آییم و یکبار برای همیشه منافع و مصالح گروهی و محفلی خود را نادیده بگیریم و طرحی نو دراندازیم تا بتوانیم با قدرت خود را داخل ایران بنمایانیم و به همه بفهمانیم فدایی همیشه زنده است چون طبقه کارگر زنده است .

کمیته ایالتی تهران 3/ 11/93

رفقای عزیز بعد از 44 سال به گرامیداشت روزی نشستیم ایم که به اعتراف دوست و دشمن یکی از مهمترین و تاثیر گذارترین وقایع تاریخ معاصر ایران است . حماسه سیاهکل آنچنان زنده است که گویی همین دیروز رفقای از جان گذشته ما در جنگلهای سیاهکل آن را آفریدند . همواره و بدرستی نوشته های فراوان و سخنرانیهای متعدد و نشستهای مختلف در وصف درایت و شجاعت عشق و ایمان آفرینندگان حماسه سیاهکل انجام شد ولیکن نکته اصلی و مهم آن است که آنچه رفقای ما در 19 بهمن 49 رقم زدند تنها و تنها پاسخ درخور و شایسته بود به سالها درماندگی و رخوت و تسلیم طلبی حاکم بر جنبش کمونیستی و ایضاً جنبش اجتماعی ایران ، و بدرستی هم نتیجه مطلوب را به بار آورد . تولد فدایی موجب تولد دوباره جنبش کمونیستی ایران شد . کدام وجدان بی غرض و آگاه میتواند منکر تاثیر این حرکت در شکستن جو و تبدیل شدن م.ل به گفتمان افکار و اعمال افراد و محافل و مجامع ، گردد و دینی از گلوله های شلیک شده و خونهای جوشان ریخته شده رفقای ما در جنگلهای سیاهکل و سیاهچالهای رژیم پهلوی ، احساس نکند . ناگفته های بسیاری پیرامون جنبش فدایی مطرح است اما نکته مهم وضعیت دردناک فعلی جنبش فدایی است چرا پرچم پرافتخاری که با خون بیژنها و مسعودها و مهرنوشها گلگون شده ، بر زمین افتاده است ، هر چند نمیتوان تلاش نوکیسگان و تازه به دوران رسیده های سیاسی که همواره کوشیده اند با تخریب این حرکت عرض وجود کنند ، نادیده گرفت ولیکن تاسف بار آنجاست که جنبش فدایی را خود فدایی به تلاشی کشاننده . سیر تحولات سیاسی و طبقاتی جامعه و رشد مبارزه طبقاتی و تاثیر آن بر احزاب و سازمانهای سیاسی و شکل گیری مرز بندی های جدید غیر قابل انکار است . پیدایش و رشد طبیفی موسوم به اکثریت که به زیر علم بورژوازی خزید گواه خوبی است ولیکن وجدا همه تحولاتی که بعد از تابستان 60 در جنبش فدایی رخ داد از چنین فرمولی پیروی میکرد ؟ آیا خود خواهی ها ، تنگ نظری ها ، منافع باندی و جناحی (که البته همه از خصایص جامعه طبقاتی است) تاثیری نداشته اند؟ چگونه است وقتی اسناد و نوشته های جریان X را مطالعه میکنیم همان مفاهیم و مواضع در اسناد و اوراق جریان y و z با قدری بازی با کلمات و چند

تأثیر حماسه سياهکل در مبارزات دمکراتیک خلغهای ایران

متن سخنرانی رفیق سالار حسامی در بزرگداشت حماسه سياهکل

قبل از اینکه به موضوع اصلی برنامه بپردازم و متنی رو که درباره تأثیر حماسه سياهکل بر مبارزات دمکراتیک و آزادیخواهانه توده های مردم ایران است رو برایتان بخوانم جا دارد که از این تریبون همدردی خودم را با خانواده های زندانیان سیاسی که خون پاکشان را رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی، جمهوری اعدام و شکنجه طی دو روزه گذشته، بر خاک ریخت. اعلام کنم. و چند بیتی از غزل بند، رفیق فدایی سعید سلطانپور را به یاد تمامی رزمندگان و زندانیان مقاوم تقدیم کنم:

تا که در بند یکی بندهم هست
با تو ای سوخته پیوندم هست
نبرم راز، مگر با خورشید
تا به خون ریشه سوگندم هست
یاد تمامی مبارزین راه آزادی و برابری گرامی باد و امیدوارم که روزی این جنایتکاران حاکم بر کشورمان با دستهای پر توان خلق به سزای اعمالشون برسند.

تاکنون درباره اهمیت تاریخی و نقاط ضعف و قوت مبارزه ای که رفقای ما در این روز آغاز نمودند، به دفعات و از زوایای مختلف سخن بمیان آمده است. اما موضعی که کمتر به آن پرداخته شده تأثیر حماسه سياهکل و جنبش مسلحانه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر مبارزات دمکراتیک و آزادیخواهانه توده های مردم ایران به همین دلیل من در این خصوص متنی رو آماده کردم که برایتان می خوانم. البته مسئولین مراسم به خاطر ذیق وقت برای این گفتار ده دوازده دقیقه بیشتر وقت تعیین نکردن. برای حضار محترم روشنه که گفتار درباره تأثیر مبارزه مسلحانه چریکها در مبارزات دمکراتیک توده های مردم به زمانی بسیار بیشتر از این نیازمنده امیدوارم این بررسی مختصر ما در این مراسم آغازی باشد برای برگزاری سمیناری وسیع تر برای بررسی عمیق تر و همه جانبه تر این موضوع.

بخوبی میدانیم که برخی مواقع حوادث و روند های اجتماعی بقدری پیچیده میشوند که فهم و درک آنها بدون تکیه به فاکت های مشخص مشکل میشود. رابطه مبارزات دمکراتیک و آزادیخواهانه با مبارزه مسلحانه هم از همین مقوله است. برخی ها که مقوله های اجتماعی و سیاسی را از زاویه مکانیکی

و نه دیالکتیکی و علمی میسند. هرگز قادر به درک محتوای اجتماعی اقدامات مسلحانه در مقطع تاریخی دهه 40 و 50 نمیشوند. بدون درک شرایط مشخص تاریخی که مبارزه مسلحانه در آن در دستور جوانان پیشرو و کمونیست کشور ما قرار گرفت، نمیشود تأثیر ژرف آن را بر محتوای اجتماعی تحولات آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده های مردم بدرستی درک کرد. آنگاه تأثیرات بارز و دگرگون کننده آنرا در زمینه مبارزه علیه ستم و استبداد و زور و سرکوب و به عبارت دیگر مطالبات دمکراتیک و آزادیخواهانه توده های مردم مشاهده کرد و در ترازوی سنجش قرارداد. باتوجه به فرصت بسیار محدود من سعی میکنم به این نکته اشاره بکنم و کنکاش در زوایای تاریخی و تحلیلی آن را به حضار وامیگذارم. قبل از من رفیق فرخ درباره تأثیر حماسه سياهکل و مبارزه مسلحانه بر هنر و ادبیات صحبت کرد. براساسی محبوبیت سرود های سازمان اشعار و ادبیات و هنرورزی که در حوال و حوش این مقطع تاریخی خلق شده اند را میدانیم که هنوز هم در جنبش های اجتماعی کارگران، زنان و جوانان در مراسم های مختلف به کار برده میشود. من مثالی میآورم. سروده معروف سرومد زمستون را همه شنیده ایم (گرچه بی شرمانه جانان دیروز و اصلاح طلبان امروز، همچون هزار دستاورد دیگر قیام 57 این ترانه را به سرقت برده اند و از تریبون هایشان پخش می کنند) و از گبرائی پرمحتوایی و تازگی و محبوبیت آن باخبریم. باز شناخت تأثیرات این ترانه سرود بخوبی نشان میدهد که محتوای فکری آن با مرحله خاصی از جنبش انقلابی ایران برای آزادی و سوسیالیسم و مطالبات عمیقاً دمکراتیک جامعه انطباق عمیق دارد. همین انطباق با مرحله معین تاریخی به محبوبیت سریع و وسیع آن انجامید. اگر با همین قیاس محبوبیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در مقطع قیام مقایسه بکنیم و در صفتبندی های جامعه ببینیم آنگاه پی خواهیم برد که مبارزه مسلحانه چه تأثیر شگرفی بر افشار روشنفکر آزادیخواه و برابری طلب جامعه و از آن طریق عملاً بر بخش مهمی از مبارزات و مطالبات آزادیخواهانه و سوسیالیستی توده ها در برابر سیل عظیم عقب ماندگی و ارتجاع که از سوی طبقات دارا و

امپریالیستها حمایت میشدند، داشته و عملاً بخش پیشرو جامعه را با ایده های آزادیخواهانه و دمکراتیک در برابر هم قدرت استبدادی مستقر و هم اپوزیسیون ارتجاعی و مذهبی آن، نمایندگی میکرد. اینکه چرا سرانجام ارتجاع مذهبی برمقدرات ما حاکم شد بحث دیگری است. و مربوط به توازن قوا. روشن است که برای بررسی این نتیجه گیری نیاز به تشریح چالشهای جامعه در فاصله دهه 40 و 50 است که متأسفانه فرصت اجازه بررسی آن را نمیدهد. و من فقط به فرازهایی از آن اشاره میکنم.

1- پیامدهای انقلاب سفید بهمن 41 تا حزب فراگیر رستاخیز 1355 یعنی 14 سال-
جامعه از نظر سیاسی به مقطع قبل از انقلاب مشروطه حتی به مقطع جنبش تنباکو رانده شده بود. در مقطع حماسه سياهکل و آغاز مبارزه مسلحانه آنچنان جو رعب و وحشت و استبداد و خفقان بر جامعه حاکم شده بود که هرگونه امکان فعالیت سیاسی و فرهنگی مستقل از طرف دولت و دربار به سختی سرکوب میشد. حتی خواندن رمان هایی که احتمال داده میشد دارای محتوای اجتماعی و سیاسی بوده و به رشد آگاهی خواننده نسبت به دمکراسی و آزادی کمک میکند به زندان و شکنجه منجر میگردد. بی عملی و یاس و ناامیدی بر همه احزاب مجامع و حتی محافل حکم میراند توگویی زیستن در زیر همییز استبداد چاره ناپذیر شده بود و چنان جوی ایجاد شده بود که اساساً قدر قدرتی شاه و دستگاه سرکوب او ابدی مینمود.

مبارزه برای آزادی و دمکراسی میباید بر این جو فائق میامد و قدر قدرتی و شکست ناپذیری دستگاه استبداد را در ذهن توده ها و عناصر پیشرو درهم میشکست. یعنی یخ های زمستان را میشکست تا گل بهاران آزادی شکوفاشوند.

2- عامل خارجی یعنی جنگ سرد و فشار به اتحاد شوروی.
در این رابطه استراتژی غرب در مقابل مهار جنبش های انقلابی و چپ به سیاست کمک به قلع و قمع نیروهای چپ و تشویق مذهبیین بنیانگرا از پاکستان و افغانستان گرفته تا فلسطین و اسرائیل و ایران سیاست کاربردی آنها در خاورمیانه بود. -از لحاظ اقتصادی البته در زیر بزرگترین معامله تاریخ کسینجر-طوفانیان بمبلغ 11 بلیون/میلیارد دلار و 92 هزار مستشار آمریکائی با حق کاپیتولاسیون/مصونیت قضایی برای ژاندارمی خلیج فارس تضاد در طبقات حاکمه را هم حاد کرده بود این عامل

تأثیر حماسه سیاهکل در مبارزات دمکراتیک خلیفای ایران

مرقه شهری هم شده بود که زیر سیطره بورژوازی کمپرادور/ وابسته احساس حقارت می کرد. اما در مخالفت با دربار ضد چپ بود و خود را به اپوزیسیون مذهبی می‌جسباند و عامل تقویت آن بود که بعد ها دیدیم که چگونه زیرببال و پر خمینی را در دولت موقت و شورای انقلاب گرفتند.

3- از سوی دیگر فساد بانکهای استقراری، فروپاشی کشاورزی، نبود مراکز کارآموزی برای رعیتها و خوش نشینان- خیل رعیتهای خرافی را به حاشیه شهرهای بزرگ کشاند. بخش مهمی از کارخانه ها و مراکز کارگری انباشته از روستائیان تازه به شهر آمده با افکار و عقاید روستائی بودند در فاصله زمانی تظاهرات دی 39 تا انقلاب سفید بهمن 41، و پس از اجرای مراحل چند گانه اصلاحات ارضی، این خیل خرافی میلیونی زمینه مناسب سیل تخریب و رجعت به گذشته های دور در جامعه ما بودند. که در مقابل خواست ها و مطالبات دمکراتیک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نظیر آزادیخواهی دمکراتیک برابری زنان، آزادی بیان اندیشه و تشکل رفع ستم ملی و... به مقاومت و مقابله سازماندهی می‌شدند.

واقعیه 15 خرداد 42 در واقع امر نقش مذهب بعنوان عامل ذهنی را که هنوز عامل عینی آن مهیا نشده برجسته میکند که بطرز خونینی سرکوب شد. ولی در فاصله زمانی بهمن 41 تا بهمن 57 عامل عینی یعنی سیل خرافی رعیتهای حاشیه شهرها قوام یافته و سرانجام با سرمایه گذاری کشورهای غربی و سیل تبلیغات به نفع استقرار حکومت مذهبی با همان عامل ذهنی خرداد 42 تلفیق شده؛ و با کمک بی دریغ امپریالیستها توازن قوا را بر هم زد. و انقلابی که جرقه های آن در حماسه سیاهکل زده شده بود و برای تحقق اش جان ها فدا شده بود در واقع امر در جهت تکوین تاریخ و در خدمت استقرار آزادی و سوسیالیسم و تغییر شرایط زندگی طبقات و اقشار زحمتکش جامعه بود و بر مبارزات آن ها تاثیر می‌گذاشت و از آنها تاثیر می‌پذیرفت. در چنین فضا توازن قوایی مبارزات دمکراتیک و برابری طلبانه را نمایندگی میکرد و توده های عظیمی را که خواهان تحقق خواست ها و مطالبات دمکراتیک و عدالت خواهانه خود بودند را نمایندگی مینمود.

تاکیدا باز یادآور شوم که نیروهای عظیم ارتجاع و امپریالیسم بر زمینه عقب ماندگی جامعه دست

در دست هم داده بودند و در برابر جناح چپ جنبش که بهترین و مجرب ترین کادرهایش را از دست داده بود، صف آرائی کرده بودند. در فاصله چند سال تا به قیام هزاران مسجد بهزینه دولت ساخته شدند. افزایش آمار تکلیا، حسینیه ها، مساجد، نشریات دینی، دهه های 40 تا 57 با سرکوب خونین نیروهای مترقی سکولار در راس آنها سازمان چریکهای فدائی خلق همراه بود. شاه نه تنها به افزایش شدید شمار مسجد و تکلیا ادامه داد بلکه با خیلی از روحانیون مخالف خود نیز نظیر دعوت از آیت الله حسین قمی آشتی نمود. مذهبیون توانستند تشکیلات درست کنند. مدارس متعدد برپا دارند. کادرسازی کنند. هیات های متعدد راه اندازی کنند. در حالیکه بدترین نوع خشونت سیاسی و سرکوب سیاست همیشگی وی در قبال نیروهای چپ و سکولار بویژه قلع و قمع نیروهای سازمان چریکهای فدائی خلق بود. حتی دروغگوئی رهبر. شعارهای اولیه او بر ضد سرمایه داری و قول دروغین او مبنی بر طرفداری از آزادیها هر چند از منظر ارتجاعی و رجعت به گذشته بود که اساسا با موضع و نقد چپ آینده نگر قیاس مع الفارق بود. بیشتر تحت تاثیر نقش مبارزات سازمان چریکها و نقش آن در بیداری و آگاهی مردم نسبت به کسب حقوق و آزادیهای سیاسی و مبارزه با ستم و استثمار بود که بر آن بود تا با مصادره به مطلوب این خواست ها و شعارها این تاثیرات را خنثی کند.

وقتی شاه با 72 چمدان اوراق بهادار و جواهر و خانواده 62 نفری فرار را بر قرار ترجیح داد ادامه دیکتاتوری فردی ممکن نبود؛ برعکس نظر هر دیکتاتور، دیکتاتوری ابدی و شکست ناپذیر نیست. این چیزی بود که در حماسه سیاهکل زنگ آن برای بیداری توده ها به صد آمد. دیکتاتور فردی مادام العمر شاه به ته خطر رسید. بدین ترتیب شعار سرنگونی سلطنت فداییان شعار کل انقلاب شد و تاریخ صحت مواضع آنها را بروشنی روز نشان داد. سرود سرآمد زمستون تلاقی یک ترانه با یک لحظه تاریخی یک کشور که در حماسه سیاهکل 8 شت سال مبارزه خونین وی وقفه برای نابودی ستم و استثمار و زور و سرکوب ریشه داشت، دلیل اصلی محبوبیت آن بود که نوید پیروزی را همراه داشت. شعر آن تصویرگر فرار زمستون اختناق و آمدن بهار آزادی بود. محتوای اجتماعی آن

خواست و مطالبات آزادیخواهانه و دمکراتیک عمیقی بود که از انقلاب مشروطیت بدینسو در پشت سد استبداد و خفقان تلنبار شده بود و بتوسط سلاح چریکهای فدائی خلق سقف بشکافت و به تندی تبدیل شد. معجزه تاریخ بازیهای خودش را دارد هنوز بدترین نوع استبداد و خودکامی برمقدرات ما حاکم است و تار سین به آزادی و سوسیالیسم که هدف بنیانگذاران سازمان بود راه درازی در پیش داریم و اکنون همان شعارها و مطالبات... و آموزش لازم از تجربه های حماسه آفرینان سیاهکل و مبارزات رفقای ما همچون شبهی در آسمان تیره ایران جولان میدهند و تا زمانی که آنها متحقق نشده اند هیچ قدرتی را یاری آن نیست که آن اهداف را که این انسانهای پاک جان شفته خود را در گرو تحقق آنها گذاشتند از ذهنیت تاریخی توده های عظیم مردم ایران بزداید یادشان گرامی باد.

ادامه تأثیر حماسه سیاهکل در ادبیات...

متن سخنرانی رفیق فرخ قهرمانی در

بزرگداشت حماسه سیاهکل

شاملو زیباترین و متعالی ترین بازتاب درونی شده مبارزه چریکی را در شعر فارسی خلق میکند شعر های شاملو در این دوران بقدری معروفند که نیازی به نمونه نیست. مجموعه اشعار شاملو از ابراهیم در آتش تا شعر صبح که در نخستین هاه های پس از از انقلاب سرود شعرهای حماسی او را به اوج میرساند. قهرمانان حماسی شعر شاملو در این دوره " بچه های اعماق" اند که خونشان فریاد است و چنگ بر آسمان می افکنند. سعید سلطان پور هم پس از اینکه کرامت دانشیان در سال 51 فیلم کوتاه " دولت آباد " را میسازد مجموعه ی " آواز های بند" را در همان فضای شعر های ملتعب خود منتشر میکند و بطور خلاصه اگر بخواهیم تمامی کارهای مربوط به شاعران و نویسندگانی که در آثارشان ردی از آن حماسه و دوران وجود دارد را بر شماریم به دیوان قطوری نیاز مندیم. در پایان باید بگویم اگر کارنامه مبارزه مسلحانه که با حماسه سیاهکل جرقه اش روشنائی بخش یک دهه تمام فضای سیاسی ایران بود به لحاظ و از منظر نوعی سیاست به نفی آن رسید اما به لحاظ هنر و ادبیات ایران در دهه های 40 و 50 ایران شکوه حماسه انسان گرایانه را چنان بر تارک تاریخ و فرهنگ و زبان فارسی ثبت کرد که زیبایی آن هیچ گاه به آن دوران بسنده نکرده بلکه همچنان تا زمانه ما هم جاری است.

آنچه باید از سیاهکل آموخت

بلکه هدف همانا شکستن فضای ترس و اختناق و غلبه بر جو ناامیدی بود که در بستر آن نسل جوان آموزشهای سیاسی را فرا گیرد. ایجاد یک سازمان انقلابی، ترویج روح شجاعت در ابراز وجود سیاسی در جامعه، و آماده سازی قیام مسلحانه توده ای هدف بزرگ چریکهای فدایی خلق را تشکیل میداد.

کیست که منکر آن شود که قیام بهمن ماه 57، در دقیقترین بیان خود، بدون سیاهکل و فرهنگ مبارزه مسلحانه رواج یافته از طریق آن، غیر ممکن بود. شرایط مبارزه و میزان نیروی متشکل و مبارز در سال 32، به مراتب مساعدتر از سالهای 50 بود. با اینحال، این شرایط به سطح وقوع قیام توده ای و سرنگونی رژیم سلطنتی پیشروی نکرد. از آنجا که نیروی رهبری کننده، فضای سیاسی و عادات توده های مردم، از نقش و عملکرد شیوه های انقلابی تأثیر نگرفته بود. خلا شرایط ذهنی در این دوره توسط چریکها بخوبی پر گردید. سیاهکل در جامعه تحقیر شده و فضای ترس و خفقان غیر قابل تحمل، روحیه جسارت و تعرض علیه صاحبان قدرت و ثروت را ترویج کرد. روی آوری گروههای متعدد به مبارزه مسلحانه و پیوستن هزاران نفر به مدافعین فعال و غیر آشکار آن در دوره رژیم سلطنتی، این حقیقت را اثبات میکند. مبارزه مسلحانه نسل پیشرو فدایی، به پیدایش جنبش نوین کمونیستی، و ایجاد اعتماد دوباره به کمونیسم در جامعه ایران، پس از سلطه فرصت طلبی و خیانت حزب توده انجامید. تشکیل سازمان فدایی و مبارزه فداکارانه چریکها، دخالتگری انقلابی، صداقت و روحیه فداکاری را، بمثابه ارزشهای سیاسی - فرهنگی نوین، در جامعه گسترش داد. آرمانخواهی کمونیستی که از طریق عملکرد حزب توده بی اعتبار شده بود، بازم جای خود را بعنوان عنصر اصلی محتوای پراتیک انقلابیون کمونیست، باز کرد. اینکه پس از سرنگونی رژیم سلطنتی، چپ مبارز در ایران، رادیکال ترین و فعالترین گرایش اپوزیسیون را شکل داد، امری اتفاقی نبوده، و تنها از مطالعه آثار

مارکسیستی ناشی نشده بود. از آنجا که توده های مردم، نه از طریق مطالعه کتاب، بلکه از تجربیات روزمره در کشمکشهای سیاسی، آشنایی و تماس با شیوه و میزان فعالیت، تعهد، جدیت و صداقت فردی مبارزین، تأثیر میگیرند. اگر قبول داشته باشیم که استراتژی جنبش انقلابی بایستی مراحل تثبیت مبارزه مسلحانه، حمایت مادی و معنوی توده ها از جنبش و روی آوردن آنها به مبارزه با حاکمیت را طی کند تا مبارزه مسلحانه توده ای گردد. آنگاه در خواهیم یافت که سیاهکل به دنبال گسترش فضای اختناق و سرکوب رژیم پهلوی بعد از سالهای کودتای سال 32 و آنگاه اصلاحات ارضی سال 42 توانست علیرغم شکست نظامی در این نقطه از شمال کشور به دستاوردهای عظیم سیاسی دست یابد که بعد

سیاهکل در جامعه تحقیر شده و فضای ترس و خفقان غیر قابل تحمل. روحیه جسارت و تعرض علیه صاحبان قدرت و ثروت را ترویج کرد. روی آوری گروههای متعدد به مبارزه مسلحانه و پیوستن هزاران نفر به مدافعین فعال و غیر آشکار آن در دوره رژیم سلطنتی. این حقیقت را اثبات میکند.

از گذشت 8 سال در بهمن ماه 57 به استراتژی خویش و توده ای کردن مبارزه مسلحانه دست یافت. اگر در سیاهکل قدر قدرتی رژیم به چالش کشیده شد و در نزد افکار عمومی زیر سوال رفت در طی هشت سال استمرار آن جزیره ثبات و آرامش امپریالیسم را متلاطم نمود و در 21 و 22 بهمن ماه 57 همراه با قیام مسلحانه توده ای ضربات خرد کننده خویش را بر پیکر ماشین سرکوب رژیم ستم شاهی پهلوی فرود آورد. در حالی که قیام بر علیه رژیم پهلوی به پیروزی رسیده بود اما امر انقلاب ناتمام ماند و دستگاه ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب سیستم سرمایه داری حاکم کماکان به حیات خویش ادامه دادند و در خدمت سیستم جدید حاکم در آمدند تا با سازماندهی مجدد خویش تهاجمات گسترده علیه دستاوردهای دموکراتیک توده ها را در چهار گوشه میهنمان آغاز نمایند. همین امر ما را در درک

عمیقتر از بینش رفیق کبیر بیژن جزنی در مورد نقش محوری تاکتیک مسلحانه یاری میرساند آنجا که رفیق جزنی میگوید:

«همان طور که تا امروز تاکتیکهای نظامی محور مبارزه ما بوده، در آینده نیز این تاکتیکها نقش عمده را در گسترش و تکامل جنبش بازی خواهد کرد. حتماً اگر در شرایطی تاکتیکهای سیاسی امکان گسترش فوق العاده پیدا کند باز تاکتیکهای نظامی و جریانهای مسلح جنبش اهمیت محوری و نقش استراتژیک خود را حفظ خواهند کرد.»

از نظر رفیق بیژن اساسی ترین عوامل تعیین شیوه های مبارزه عبارتند از ((1- اوضاع اجتماعی و اقتصادی و ساختار طبقاتی جامعه و تعیین مسیری که جامعه در حال طی آن است.

2- اوضاع اجتماعی - سیاسی جامعه که عبارت است از تعیین تضاد اصلی جامعه، شکل حاکمیت و اقدامات طبقات حاکم و امپریالیسم، میزان قدرت و سازماندهی رژیم، کمیت و کیفیت جریانها و سازمانهای مبارز توده ای. 3- شرایط روحیه توده های مردم، میزان تحرک و شهامت و روحیه آنها برای تهاجم (و یا روحیه تسلیم و ناامیدی آنها). 4- رسوم و اشکال مبارزاتی که توده ها از گذشته تاریخی تا حدودی نزدیک در مبارزه علیه دشمن به کار برده اند. 5- اوضاع سیاسی جهانی و منطقه ای، کیفیت توازن قوا و عوامل مثبت و منفی در جنبش و آن اشکالی که مبارزه توده های دور و نزدیک سطوح مختلف توده ها انرا تجربه نموده اند.))

در حالی که تاکتیکهای سیاسی می تواند نیروهایی را به مبارزه برضد رژیم بکشاند، تداوم این مبارزه و به کار گرفتن آن در راه سرنگون ساختن دستگاه حاکمه از طریق تاکتیکهای نظامی به دست می آید. گسترش و تکامل مبارزه توده ها از مراحل اقتصادی و سیاسی به مرحله نظامی مستلزم ادامه و رشد مبارزه مسلحانه است.

کارگران پیشرو: با اتخاذ شعارهای تاکتیکی، ماهیت ناپیگیر، روشهای تاکتیکی و شعارهای برنامه ای احزاب و دستجات اپوزیسیون بورژوایی را افشا کنید!

کمک های مالی رسیده به سازمان :
 نشریه کارکمونیستی 300 کرون سوئد
 کمیته کردستان 320 کرون سوئد
 رفقای داخل 600 کرون سوئد
 سعید سلطانیپور 320 کرون سوئد
 مسعود احمدزاده 300 کرون سوئد
 نشریه کار کمونیستی 150 دلار
 نشریه ریگای گه ل 150 دلار
 بازسازی کمیته آذربایجان 100 دلار
 کمیته تهران 150 دلار
 البزر 200 دلار
 هسته های سرخ 100 دلار
 اسکندر صادقی نژاد 70 دلار
 جلیل انفرادی 70 دلار
 سعید سلطانیپور 60 دلار

**با کمک های مالی خود، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را در پیشبرد برنامه و اهداف انقلابی اش یاری رسانید .
 شماره حساب :**

**NL 18 ABNA
 0482003227
 ALI hassanlu**

لینک برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

[http://www.fedayi.org/
 content/
 blogcategory/15/90/](http://www.fedayi.org/content/blogcategory/15/90/)

نشریه کار کمونیستی زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر میشود .

Kar@fedayi.org



آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ، اطلاعیه ها و نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.com

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و با ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

info@kare-online.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

آنچه باید از سیاهکل آموخت

اگر در فردای پیروزی قیام سنت مبارزه مسلحانه توده ها را در کردستان - ترکمن صحرا به رویارویی با رژیم کشاند در دیگر نقاط ایران نیز پیشاهنگ انقلابی در جهت توده ای کردن مبارزه مسلحانه میکوشید رژیم قادر نبود با ارگانهای سرکوبی که در جریان قیام ضربات جدی متحمل شده بودند جنبش خلقهای ترکمن صحرا و کردستان را سرکوب نماید .

تلاش پیشاهنگ انقلابی در این دوره در این بود که میتوانست با بکارگیری مبارزه مسلحانه در کوه در مناطقی نظیر کردستان و بلوچستان و ترکمن صحرا که توده ها مستقیماً به میدان آمده بودند همراه با مبارزه مسلحانه در شهر در دیگر نقاط کشورمان حیات حاکمیت نوپا را نابود کرده و انقلاب را به انجام برساند . "سیامک رضایی"

سوسیالیسم و کمونیسم نه محصول تخیلات بشر دوستانه بوده و نه مفاهیم و مقولاتی مقدس هستند که در رویاهای مصلحین اجتماعی و در آرزوهای خام انسانهای ناتوان در برابر اتفاقات و حوادث تاریخی و طبیعی شکل گرفته باشند . کمونیسم محصول جامعه سرمایه داری مدرن و نتیجه جدال دو طبقه متضاد اجتماعیست : طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار که دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری معاصر را تشکیل میدهند .